

مدیریت جهادی از منظر قرآن و نهج البلاغه

خدیجه فیروزآبادی^۱

^۱ کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد واحد بروجرد

چکیده

مدیریت می تواند در اشکال گوناگون، نمایان شود؛ اما زمانی می تواند جوابگوی دغدغه های متدینین در جامعه اسلامی باشد و دستاوردهای بزرگ مورد انتظار آنان را تحقق بخشد که با صبغه اسلامی همراه گردد. مدیریت اسلامی، نظام ارزشی ثابت و لایتغیری است که ریشه در نیازهای ثابت و جاودان انسان داشته، مبتنی بر فطرت و خلقت بوده و توسط وحی و کتاب و سنت، تنظیم می گردد. تمایز این نوع مدیریت با نظام های مدیریتی دیگر در این است که این نوع مدیریت، ناشی از نظام ارزشی مبتنی بر فرهنگ و تمدن اسلامی است. واژه مدیر، مدیریت و اداره و مشتقات آن در قرآن کریم به کار نرفته است. کلید واژه «طاعه» ملاک اصلی این تحقیق قرار گرفته، برخی مدیریت جهادی از منظر قرآن کریم از آیات و سیاق هایی که عبارت «لاتطع» در آنها به کار رفته است، مورد بررسی قرار گرفته است. برابر فرمایش امام علی (علیه السلام)، فرمانروایی، میدان مسابقه مردان است. بنابراین، مدیریت یعنی آزمایش. آزمایشی که به منظور قرب الهی آغاز میشود و محور و اساس آن، توکل است. در این پژوهش از روش کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است. در قسمت نتیجه گیری برخی از این ویژگی های مدیر جهادی چنین مشخص شدند: عدالت محوری، اعتمادسازی، امیدآفرینی، رقابت سازی و تشویق، ارتقای سطح بینش و کنش افراد مجموعه و برقراری آرامش روحی و روانی آنان در سایه ایجاد رفاه مادی و اعتلای ایمان و بینش آنان.

واژه های کلیدی: مدیر، مدیریت جهادی، قرآن، نهج البلاغه

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که با تلاش بسیار و تقدیم خون هزاران شهید از صدر اسلام تا زمان انقلاب و پس از آن، در هشت سال دفاع مقدس به ثمر رسیده است و انشاءالله به قیام نهایی حضرت ولی عصر (عج) متصل خواهد شد، نیازمند حفظ و حراست، بهبود مستمر و دستیابی به آرمان های مقدسی است که در دین مبین اسلام از آن یاد شده است. این مهم جز با تلاش خستگی ناپذیر، دانش بنیان و اتکای به نیروی درونی اسلام و کشور محقق نخواهد شد. مدیریت جهادی، یکی از مفاهیمی است که در این راستا میتواند نقش بسیار مهم و قابل توجهی ایفا کند، زیرا برابر فرمایش امام علی (علیه السلام)، اصلاح زمامداران مقدمه اصلاح جامعه است. بنابراین، تحقق مدیریت جهادی در جامعه اسلامی براساس قرآن و نهج البلاغه، نیازمند توجه و حرکت مدیران براساس تقرب به خداوند سبحان است. در این مسیر ناهموار و سخت، توکل به خدا به عنوان محور و اساس حرکت مطرح میشود. مدیران با داشتن روحیه انتقادپذیری و مسئولیت پذیری و در بستر آینده نگری، واقع گرایی، شجاعت و عقلانیت، راهبردهایی همچون مشورت، امانتداری، صبر و استقامت و پرهیز از شتاب زدگی، اشاعه وحدت، مدیریت راهبردی علم و فناوری، مدیریت راهبردی منابع انسانی (مدیرپروری)، نگاه نظام مند (جامعیت و کلنگری)، روحیه همکاری مبتنی بر اعتماد متقابل، موقعیت شناسی و بهره گیری از فرصتها، عدالت و خودارزیابی و بهبود مستمر را به کار گرفته و درنهایت مدیریت جهادی خواهند شد. مدیری که با ویژگی هایی همچون تقوا، قدرشناس در گشایش ها، پرهیز از افراط و تفریط (میانه روی)، اطاعت از فرمانده (مدیر بالادست) و امام، رفتار مدیریتی، پرهیز از غرور و خودپسندی، نظم، مدیریت بر مبنای عملکرد، مدیریت از طریق ارزشیابی، وفای به عهد، پذیرفتن کار به اندازه توان، قناعت، مدارانکردن با مخالفان حق، دوری از نفاق و ریا، فروخوردن خشم، ارتباط مستقیم با زیردستان و سایرین به هنگام نیاز، دوری از لجاجت، دوری از حسادت، همت بلند و دوری از سستی، دوری از ستم و شکرگزاری روزافزون مشخص میشود. همانطور که مشخص و مبرهن است، مدیریت جهادی مفهومی جامع است که ضمن مشخص کردن مسیر و روند حرکت مدیر، راهنمای عملی و کاربردی برای مدیران ارائه میکند و با در نظر گرفتن جنبه های مختلف قابل توجه در امر مدیریت، رابطه مدیر و زیردستان را تبیین و مدیر را به سمت هدف غایی خلقت هدایت میکند. (عبدی و توکلی، ۱۳۹۵)

مدیریت

در تعریف «مدیریت» چنین گفته اند: «فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی و سازماندهی و بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل آن که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می گیرد.» مدیریت می تواند در اشکال گوناگون، نمایان شود؛ اما زمانی می تواند جوابگوی دغدغه های متدینین در جامعه اسلامی باشد و دستاوردهای بزرگ مورد انتظار آنان را تحقق بخشد که با صبغه اسلامی همراه گردد. مدیریت اسلامی، نظام ارزشی ثابت و لایتغیری است که ریشه در نیازهای ثابت و جاودان انسان داشته، مبتنی بر فطرت و خلقت بوده و توسط وحی و کتاب و سنت، تنظیم می گردد. تمایز این نوع مدیریت با نظام های مدیریتی دیگر در این است که این نوع مدیریت، ناشی از نظام ارزشی مبتنی بر فرهنگ و تمدن اسلامی است. (دانشنامه رشد، ۱۴۰۱)

مدیر و مدیریت در قرآن کریم

واژه مدیر، مدیریت و اداره و مشتقات آن در قرآن کریم به کار نرفته است. کلید واژه «طاعه» ملاک اصلی این تحقیق قرار گرفته، برخی مدیریت جهادی از منظر قرآن کریم از آیات و سیاق هایی که عبارت «لاتطع» در آنها به کار رفته است، مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که اطاعت یکی از اساسی ترین و محوری ترین عوامل در شکل گیری نظام مدیریت میباشد. در واقع مدیریت؛ یعنی اینکه فردی در جهت دست یابی به اهداف یک مجموعه و هدایت و کنترل آن، برنامه و طرح ارائه کرده و مسیر حرکت را تعیین کند. این مدیریت وقتی استقرار میابد که مجموع های که اجرای مأموریت های سازمان را برعهده دارند، از رهنمودها و راهبری های مدیر تبعیت و پیروی کنند. تحقق چنین فضا و حالتی، هم از لحاظ مدیریت و هم از نظر زیردستان، به عوامل مختلفی بستگی دارد و از ابعاد و مؤلفه های گوناگونی برخوردار است که توجه به آنها ضروری و راهگشا مینماید. با بررسی قرآن کریم مشاهده شد که کلید واژه «طاعه» و مشتقات آن، ۷۱ بار در قرآن بهکار رفته است (مرادی زنجانی و لسانی فشارکی، ۱۳۸۵: ۲۲۹) اما به دلیل محدودیت تحقیق، تنها برخی از آیات مشتمل بر عبارت «لاتطع» و نیز «اتّباع» و «تمکن» ملاک تحقیق قرار گرفته است که میتوان از خلال آنها، ویژگی های ایجابی و سلبی مدیر مورد تأیید قرآن کریم را استنباط نمود. (نعمتی پیرعلی، ۱۳۹۳)

شکل گیری نظریه مدیریت جهادی در پرتو نهج البلاغه؛

اواخر قرن بیستم و شروع هزاره سوم، مصادف با ظهور اصطلاحهایی مانند عصر فراصنعتی (دانپورت و گرور، ۲۰۰۱) عصر اطلاعات (دانپورت و پروساک، ۱۹۸۹) و جامعه دانشی (دراکر، ۱۹۹۳) و مدیریت دانش (نوناکا و تاگوچی، ۱۹۹۵) بوده است. با توجه به تأکیدهای مکرر مقام معظم رهبری، ارائه مفاهیم جدید و تعاریف عملیاتی مرتبط براساس فرهنگ اسلامی - ایرانی و تجربیهای غنی موجود، امری ضروری و بدیهی است. همانند ارائه نظریه رهبری اثربخش (دانایی فرد و مؤمنی، ۱۳۸۷) مفهوم «مدیریت جهادی» از آن دسته مفاهیمی است که می تواند با کمک منابع غنی اسلامی موجود مانند نهجالبلاغه امام علی (علیهالسلام) مفهوم پردازی شود. (عبدی و توکلی، ۱۳۹۵)

برابر فرمایش امام علی (علیه السلام)، فرمانروایی، میدان مسابقه مردان است (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۱). بنابراین، مدیریت یعنی آزمایش. آزمایشی که به منظور قرب الهی آغاز میشود و محور و اساس آن، توکل است. مدیر جهادی باور دارد که هرکس که بر خدا توکل کند، پس همان برای او کافی است، پس نه از چیزی میترسد و نه محزون میشود. بر همین اساس، در بستر آینده نگری و دوراندیشی، واقعیت ها را مدنظر قرار داده و با امید به خداوند متعال، با شجاعت و جسارت در مسیر خود که مبتنی بر عقلانیت و خردورزی است، حرکت می کند. در پرتو مسئولیت پذیری و انتقادپذیری، مدیر جهادی با مشورت، امانت داری و صبر و استقامت به اشاعه وحدت در سازمان و جامعه پرداخته و مدیران آینده مورد نیاز را پرورش می دهد. نگاه جامع و کلان به نیازمندی های سازمان و توجه به دو مقوله اساسی علم و فناوری، منجر به فرصت طلبی و بهره گیری از موقعیت ها می شود تا بتواند روحیه همکاری مبتنی بر اعتماد متقابل را اشاعه داده و با خودارزیابی و بهبود مستمر، گامی اساسی در جهت ایجاد تحول مثبت و روزافزون داشته باشد. درنهایت، مدیر جهادی، مدیری باتقوا خواهد بود که در گشایش های الهی قدرشناس است و از افراط و تفریط دوری میکند. از مدیر بالادست خود اطاعت کرده و این اطاعت پذیری را در زیردستان خود نیز ترویج میکند. رفتار نمونه مدیر جهادی، وی را از غرور و خودپسندی دور کرده و نظم را سرلوحه کارش قرار خواهد داد. مدیر جهادی از طریق ارزشیابی عملکرد کارکنان، شرایط ارتقاء کارکنان و تصدی امور حساس را فراهم کرده و با مخالفان حق مدارا نمی کند. وی با همت بلند به عهد خود وفادار خواهد بود و با دوری از ستم به جامعه، سازمان، مدیر بالادست و کارکنان زیرمجموعه خود، بر شکرگزاری خود خواهد افزود. (عبدی و توکلی، ۱۳۹۵)

جهاد

واژه «جهاد» کلمه ای عربی از ریشه «جهد» به معنای مشقت و نهایت تلاش و کوشش است. اما از منظر دینی به هر تلاشی، جهاد اطلاق نمی شود؛ بلکه جهاد از منظر دینی، عبارت است از بذل جان، مال و توان خویش در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر ایمان. مقام معظم رهبری، جدّ و جهد و مبارزه در مقابل دشمن را دو رکن اساسی جهاد می دانند. ایشان در این باره می فرمایند: «در مبارزه دو چیز حتماً لازم است: یکی اینکه در آن جدّ و جهد و تحرکی باشد. انسان در رختخواب یا در پستوی خانه که نمی تواند مبارزه کند... دوم اینکه در مقابلش دشمنی باشد. مبارزه در آنجا که دشمن نیست معنا ندارد. پس جهاد متقوم بر این دو رکن است...» هرچند که معنای جهاد مبارزه و رویارویی با دشمن و چاره جویی در مقابل موانع است، ولی جهاد فقط به مبارزه در میدان جنگ و نبرد مسلحانه، ختم نمی شود؛ بلکه هر جا که مانعی باشد و در نتیجه تلاشی خالصانه و با نیت الهی برای رفع آن مانع انجام گیرد، می توان آن را جهاد نامید. بنابراین جهاد، معنایی وسیع تر از قتال و مبارزه مسلحانه دارد. (کریم زاده، ۱۳۹۳)

معنای جهاد و شاخصه های آن در قرآن کریم

جهاد از ریشه (ج ه د) است، راغب می گوید: «جُهد و جَهد یعنی طاقت، نیرو، مشقت و سختی. گفته شده جَهد با فتح حرف (ج) یعنی مشقت و سختی و با ضم حرف (ج) یعنی کوشش گسترده و وسیع به اندازه طاقت.» (راغب، ۱۴۰۴: ۱۰۱) واژه «ج ه د» به معنی طلب کردن است به نحوی که به مطلوب برسد و صیغه ی «اجتهد» به معنی بذل وسع و طاقت در طلب است به نحوی که به ایصال به مطلوب منجر شود (مصطفوی، ۱۳۷۱: ۱۴۹/۲) از این رو می توان گفت که مفاهیم طاقت، مشقت، طلب و مطلوب، صبر و بذل طاقت برای رسیدن به مطلوب در واژه «جهاد» مندرج است. جهاد شامل: مخالفت با شیطان در وسوسه ها و مخالفت با نفس در خواسته هایش می شود که رسول خدا (ص) این قسم جهاد را جهاد اکبر نامید و ظاهراً مراد از جهاد در آیه مورد بحث، معنای اعم از قتال و جهاد اکبر باشد؛ به ویژه اینکه آن را به قید «فی الله» مقید کرده است که به خوبی این عمومیت را القاء می کند. بر این اساس، معنای «حق جهاد» این میشود که جهاد شما در معنای جهاد خالص باشد؛ یعنی فقط جهاد باشد (نه هم جهاد و هم تجارت و سیاحت و غیر آن) و نیز خالص برای خدا باشد و غیر خدا در آن شرکت نداشته باشد (طباطبایی، بی تا: ۵۸۲/۱۴)

مدیریت جهادی

تلاش بی وقفه در به کارگیری مؤثر و کنترل فعالیت های افراد، مبتنی بر مبارزه در تمام عرصه های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... با نیت الهی، جهت نیل به اهداف والای جامعه و رفع موانع موجود، «مدیریت جهادی» نام دارد. (کریم زاده، ۱۳۹۳)

تفاوت آن با شیوه های دیگر مدیریت

تفاوت اصلی مدیریت جهادی با سایر نظام های مدیریتی در پیش فرض ها و مبانی فکری و عقیدتی آن است. در این نظام مدیریتی، احکام دین مبین اسلام به عنوان راهبردی برای زندگی و شاخصی برای سنجش حیات مطلوب در نظر گرفته شده و هدف این نظام مدیریتی، پیاده سازی ارزش ها در جامعه به منظور تبدیل آن ها به کیفیت زندگی می باشد. مدیریت جهادی با مصرف گرایی، اشرافی گری، سستی، تنبلی، بی حالی و انحراف از مسیر آرمان گرایی ایمانی، تغایر داشته و بلکه با آن مبارزه می کند؛ در حالی که در شیوه های مدیریتی دیگر که عمدتاً محصول فرهنگ سرمایه داری است، جامعه به سمت مصرف گرایی، اشرافیت، بی عدالتی، اصالت لذت و انحراف از آرمان های انسانی، سوق داده می شود. اساس مدیریت جهادی بر تاکید بر معنویت و ارزش های اخلاقی، اسلامی و انسانی بنا شده؛ درحالی که در نظام های مدیریتی دیگر، اخلاق به عنوان وسیله، مطرح بوده و تا زمانی کاربرد دارد که در راستای اهداف آن نظام مدیریتی بوده باشد. مدیریت جهادی بر خلاف شیوه های مدیریتی دیگر، فرهنگی خاص و سبکی از زندگی است که دین محوری، ولایت مداری، ایثار، مردم گرایی، خودباوری، تکلیف مداری و... از جمله ثمرات عینی آن در جامعه می باشد. مدیر جهادگر در مرتبه نخست بر جنبه های انسانی سازمان توجه داشته و نظام مدیریتی خود را برای تعالی انسان ها پایه ریزی می کند. (کریم زاده، ۱۳۹۳)

مضامین، ابعاد و اجزاء مفهوم مدیریت جهادی در نهج البلاغه

عبدی و توکلی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی مضامین، ابعاد و اجزاء مفهوم مدیریت جهادی در نهج البلاغه پرداخته است:

۱- قرب الهی:

بندگی تو فقط برای او باشد و تنها اشتیاق او را داشته باش. تباہ نکردن دین برای دنیا و مقام و فرماندهی. (نامه ۳۱)

۲- توکل:

یقین به خدا و وعده های الهی و تجلی آن در رفتار و کردار؛ تنها از خدا طلب حاجت کردن؛ ایمان پر از یقین به غیب داشتن و فروتنی در برابر خدا؛ جستجوی آرامش در حق؛ آرامش و داشتن حال یکسان در روزگار سختی و گشایش. در تمام کارها خود را به خدا واگذار؛ در مشکلات از خدا یاری جوی؛ اگر به آنچه که میخواستی نرسیدی، از آنچه هستی نگران مباش؛ ایمان بندهای درست نباشد جز آنکه اعتماد او به آنچه در دست خداست بیشتر آن باشد که در دست اوست. (نامه ۴۶، حکمت ۶۹، حکمت ۳۱۰، حکمت ۳۴۲)

۳- دوراندیشی:

پرهیز از هواپرستی و آرزوهای دراز؛ عبرتپذیری از پیشینیان؛ ایمان به آخرت و گذرابودن دنیا؛ چشم برگرفتن از اندوه و سرگرمی های دنیا؛ نرم خو و دوراندیش بودن. جایگاه آینده را آباد کن؛ کسی که روزگار فانی را بزرگ بشمارد، او را خوار خواهد کرد؛ گاهی دشمن نزدیک میشود تا غافلگیر کند، پس دوراندیش باش و خوشبینی خود را متهم کن؛ از حوادث گذشته تاریخ برای آینده عبرتگیر. (نامه ۳۱ و نامه ۶۹)

۴-واقعگرایی:

دل نبستن به آنچه نیامده. به آنچه نیامده دل نبند. (نامه ۳۱)

۵- امیدواری فراموشی گذشته؛ امید به آینده:

در شگفتم از کسی که میتواند استغفار کند و ناامید است؛ مسلمان چونان تیراندازی ماهری است که انتظار دارد، در همان نخستین تیراندازی پیروز شود. (حکمت ۸۷)

۶- شجاعت و جسارت:

هنگامی که از چیزی میترسی، خود را در آن بیفکن. نترسیدن در ستاندن حق؛ گوینده حق و ترک کننده ستم بودن؛ وحشت از باطل داشتن (حکمت ۱۷۵ و نامه ۳۱)

۷- مسئولیت پذیری:

بیش از تحمل خود بار مسئولیت ها بر دوش منه؛ سستی انسان در انجام کارهایی که بر عهده اوست و پافشاری در کاری که از مسئولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار و اندیشه ویرانگر است. پذیرش مسئولیت امور سپرده شده (نامه ۳۱ و نامه ۶۱)

۸- مسئولیت پذیری:

بیش از تحمل خود بار مسئولیتها بر دوش منه؛ سستی انسان در انجام کارهایی که بر عهده اوست و پافشاری در کاری که از مسئولیت او خارج است، نشانه ناتوانی آشکار و اندیشه ویرانگر است. پذیرش مسئولیت امور سپرده شده (نامه ۳۱، نامه ۶۱)

۹- انتقاد پذیری:

آنکس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد. (حکمت، ۱۷۳)

۱۰- مشورت:

کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت، با شما انجام ندهم؛ آنکس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد. پرهیز از خودکامگی و ستمکاری؛ مشاوره و بهرهمندی از نظرهای دیگران؛ پرهیز از خودرایی. (نامه ۵۰ ، نامه ۵۳)

۱۱- امانتداری:

خیانت به ملت بزرگترین خیانت است؛ نسبت به آنچه در اختیار داری از خدا بترس امانتداری نسبت به رهبر جامعه؛ پرهیز از خیانت و نیرنگ (معادل زیرکی ندانستن)؛ رازداری؛ فرماندهی امانت است. (نامه ۳۰)

۱۲- صبر و استقامت و پرهیز از شتابزدگی:

پرهیز از خودکامگی و ستمکاری، و بیتابی و تندروی؛ مقاومت تا حصول نتیجه نهایی؛ بردباری و شکیبایی در مشکل ها. در مشکل ها و سختی ها شنا کن؛ مبادا در کاری که وقت آن فرا نرسیده شتاب کنی، یا کاری که وقت آن رسیده سستی ورزی؛

بردباری و تحمل سختی‌ها، ابزار ریاست است؛ شکیبایی در برابر بی‌خردان داشته باش. (نامه ۳۱، نامه ۵۳، حکمت ۹۴، حکمت ۱۷۶)

بحث و نتیجه گیری:

بر اساس این بررسی‌ها، مهمترین شاخصه جهاد، بذل طاقت و طلب فراغت و سع در جهت نیل به هدفی مشخص است که بر اساس تعالیم قرآن کریم و نهج البلاغه، این هدف مقدس ارتقای کمی و کیفی حیات انسان است. در این مسیر یک مدیر جهادی بایستی همه استعدادهای فردی از جمله قوه درک و تشخیص، عاقبت اندیشی و مسئولیت پذیری خود را به کار گرفته و همراه با همه اختصاصات دینی خود از جمله ایمان و تقوآمداری (اطاعت از خداوند و ولی امر و رعایت سلسله مراتب)، اهتمام بر اقامه شعائر دینی، معاد باوری، توکل و شکر و... ویژگی‌هایی را در سازمان خود به وجود آورده و مستقر سازد که به تحقق هدف والای مدیریت جهادی کمک کند. برخی از این ویژگیهای سازمانی عبارتند از: عدالت محوری، اعتمادسازی، امیدآفرینی، رقابتسازی و تشویق، ارتقای سطح بینش و کنش افراد مجموعه و برقراری آرامش روحی و روانی آنان در سایه ایجاد رفاه مادی و اعتلای ایمان و بینش آنان. (نعمتی پیرعلی، ۱۳۹۳)

منابع و مراجع

قرآن کریم

نهج البلاغه

دانشنامه رشد (۱۴۰۱). سایت دانشنامه رشد، [www. Daneshnameh.roshd.ir](http://www.Daneshnameh.roshd.ir)

دانایی فرد، حسن؛ نونا مومنی (۱۳۸۷) تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (ع) استراتژی تئوری داده بنیاد متنی، نشر مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز.

دانیپورت، تامس و لارنس پروساک (۱۹۸۹). مدیریت دانش. ترجمه حسین رحمان سرشت، نشر ساپکو

طباطبایی، محمد حسین (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، نشر دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

عبدی، بهنام و میثم توکلی (۱۳۹۵). مفهوم‌پردازی مدیریت جهادی در پرتو آموزه‌های نهج البلاغه، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال یازدهم، شماره دوم

کریم زاده، طاهر (۱۳۹۳). شاخصه‌های مدیریت جهادی از منظر مقام معظم رهبری، مجله معارف، شماره ۱۰۷

مرادی زنجانی، حسین، محمدعلی لسانی فشارکی (۱۳۸۵). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، نشر قلم مهر

مصطفوی، حسن (۱۳۷۱) التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نعمتی پیر علی، دل آرا (۱۳۹۳). مدیریت جهادی از منظر قرآن کریم، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۱

Drucker, P. (1993). Post-Capitalist Society. New York: Harper Collins. Nonaka, I kujiro. 1994. A Dynamic Theory of Organizational Knowledge Creaton. Organizaton Science, vol. 5, no.1: 14-37

Strauss.A, J.Corbin (1992). Basics of Qualitativ Research: Techniques and Procedures for Develop ing Grounded Theory, California: Sage Publicatons, Inc.

Nonaka and Takeuc hi. H. (1995). The Knowledge-Cratng Company: How Japanese Companies Create the Dynamics of Innovaton? Oxford University Press.